

## ملاحظات

عنوان	لوح ذبیح
وجه تسمیه لوح به عنوان مذکور	ای ذبیح در اکثری از الواح الهیّه از قلم امریّه نازل جمیع احبّای الهی
صاحب اثر	حضرت بهاء الله
سال نزول	
محل نزول	سجن اعظم: در این ورقه بیضا لسان قدم در این سجن اعظم میفرماید
لسان نزولی	
لحن نزولی	
کلام نزولی	
مصدر	اقتدارات و چند لوح دیگر، صفحه ۳۲۳ - ۳۲۸
مطلع	ای ذبیح در اکثری از الواح الهیّه از قلم امریّه نازل جمیع احبّای الهی ...
انتهای لوح	... لعمری ما تریه الیوم سیفنی و تجد نفسک فی أعلى المقام لو تکون مستقیما علی أمر مولیک إنّ إلیه منقلبک و مثویک
مخاطب	
اسامی نفوس مذکوره	
اسامی اماکن مذکوره	
الواح دیگر مذکور در متن این لوح	
الواح دیگر با همین عنوان	
مواضیع و الواح دیگر که با مطالب	

	این لوح شباهت و ارتباط دارند
	نصایح و انذارات احکام
	اشارات به کتب مقدسه قبل
	مناجاتهای نازلہ در متن لوح
	شئونات و سبک نزولی
	ترجمه های این لوح
	ترجمه های غیر رسمی
	منابع فارسی
	منابع عربی
	منابع انگلیسی
	نسخه شناسی
	به خط
	نوع نسخه

## سایر ملاحظات

۱	<b>اشاره به واقعه تاریخی ذیل:</b> هر یوم یکی از اهل بیان مدعی امری شده بعضی متمسک بغضنی از اغصان و بعضی مستقلاً گفته‌اند آنچه گفته‌اند و عاملند آنچه عاملند.
۲	<b>اشاره به این لوح به ورقه بیضا:</b> حال کَرَّةٔ اخری در این ورقه بیضا لسان قدم در این سجن اعظم میفرماید

## اهم مواضع موجود در این لوح

۱	<b>اگر احبای الهی به آنچه در الواح است ناظر بودند اکثر من فی الامکان هدایت شده بودند:</b> ای ذبیح در اکثری از الواح الهیّه از قلم امریّه نازل جمیع احبای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدّسرا بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند و همچنین وصیت فرمودیم که بما نزل فی الالواح ناظر باشند. اگر وصایای الهیّه را که از مشرق قلم رحمانی اشراق فرمود بگوش جان میشنیدند و باصغای آن فائز میگشتند حال اکثر من فی الامکانرا بخلعت هدایت مزین مشاهده مینمودید و لکن قضی ما قضی نیالودن امر را به اعمال ممنوعه و اخلاق مردوده ای ذبیح در اکثری از الواح الهیّه از قلم امریّه نازل جمیع احبای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدّسرا بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند و همچنین وصیت فرمودیم که بما نزل فی الالواح ناظر باشند.
۲	<b>امر به گذشتن از نفس و هوی تا بر اثر آن کل بریه به عز احدیه توجه نمایند:</b> حال کَرَّةٔ اخری در این ورقه بیضا لسان قدم در این سجن اعظم میفرماید، ای احبای حق از مفازه ضیقّه نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفحات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عزّ احدیه توجه نمایند
۳	<b>نهی از ارتکاب به امری که مخالف رای روسای عرض باشد:</b> ابداً در امور دنیا و ما یتعلق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جایزه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جایزه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب

	عباد بوده.
۴	<p><b>در معنی نصرت امر و اشاره به اینکه احبا به منزله مفاتیحند برای ابواب قلوب:</b> حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جایزه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده. احبّای حقّ الیوم بمنزله مفاتیحند انشاء الله باید کلّ بقوّت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند اینست نصرت حقّ که در جمیع زبر و الواح از قلم فالق الاصباح جاری شده و همچنین با ناس بمدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و بکمال تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنیکه جمیع ناس آن نفوس را امناء الله فی العباد شمرند</p>
۵	<p><b>با وجود بلایا حضرت به الله رؤسای ارض را تبلیغ نمودند پس احبا هم باید به نصرت امر پردازند:</b> مع آنکه بلای لا یحصی در دست اعدا مبتلا جمیع رؤسای ارض را واحداً بعد واحد تبلیغ نمودیم آنچه را که ارادة الله بآن تعلق یافته بود لتعلم الامم انّ البلاء لا یمنع قلم القدم انه یتحرک باذن الله مصوّر الرّم. حال مع این شغل اعظم لایق آنست که احبّاء کمر خدمت محکم کنند و بنصرت امرالله توجه نمایند نه آنکه بارتکاب امور شنیعه مشغول شوند. اگر قدری در افعال و اعمال ظاهره حقّ مشاهده نمائی تخرّب وجهک علی التراب و تقول یا ربّ الارباب اشهد انک انت مولی الوجود و ربّی الغیب و الشهود و اشهد انّ قدرتک احاطت الکائنات لا تخوفک جنود من علی الارض و لا تمنعک سطوة من علیها و اشهد انک ما اردت الا حیوة العالم و اتحاد اهله و نجات منّ فیهِ. حال قدری تفکّر نمائید که دوستان حقّ در چه مقام باید حرکت نمایند و در چه هواء طیران کنند. اسئل الله ربّک الرّحمن فی کلّ الاحیان ان یوقّهم علی ما اراد انه لهو المقتدر العزیز العلام.</p>
۶	<p><b>ضر حضرت بها الله از ذلت ظاهره نبوده بلکه که از اعمالی که احبّا بآن عاملند و آنرا نسبت بحق میدهدند:</b> ای ذبیح ضرائن مظلوم از سجن و تاراج و اسیری و شهادت و ذلّت ظاهره نبوده و نیست بلکه ضرا اعمالیست که احبّای حق بآن عاملند و آنرا نسبت بحق میدهند هذا ضرّی و نفسه المهیمنة علی العالمین و ضرا کبر آنکه هر یوم یکی از اهل بیان مدّعی امری شده بعضی متمسک بغصنی از اغصان و بعضی مستقلاً گفته اند آنچه گفته اند و عاملند آنچه عاملند. ای ذبیح لسان عظمت میفرماید و نفسی الحق قد انتهت الظهورات الی هذا الظهور الاعظم و من یدّعی بعده انه کذاب مفتر نسئل الله ان یوقّعه علی الرجوع ان تاب انه لهو التّواب و ان اصّر علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه انه لهو المقتدر القدیر. مشاهده کن که اهل بیان آنقدر ادراک ننمودند که مظهر قلم و مبشر جمال آنچه فرموده ناظرأ الی الظهور و قیامه علی الامر فرموده و الا و نفسه الحق بکلمه ای از آنچه فرموده تکلم نمینمودند. این جهال امر غنی متعالرا لعب اطفال دانسته اند هر روز بخالی حرکت مینمایند و در مفاز ای سائرند. لوکان الامر كما یقولون کیف یستقرّ امر ربّک علی عرش السکون تفکّر و کن من المتفرّسین</p>

تفکروکن من المتوسّمين تفکروکن من الرّاسخين تفکروکن من المطمئنّين على شأن لو يدعى كلّ  
البشر بكلّ ما يمكن او فوقه لا تتوجّه اليهم وتدعهم ورآئك مقبلاً الى قبلة العالمين.

**اشاره به عظمت اين ظهور و ادرك نمودن اهل بيان امر حضرت باب را كما هو حقه:** اي ذبيح لسان

عظمت مي فرمايد: و نفسى الحق قد انتهت الظهورات الى هذا الظهور الاعظم و من يدعى بعده أنّه  
كذاب مفتر نسل الله ان يوقه على الرجوع ان تاب أنّه لهو التّواب و ان اصرّ على ما قال يبعث عليه من  
لا يرحمه أنّه لهو المقتدر القدير. مشاهده كن كه اهل بيان آنقدر ادراك نمودند كه مظهر قلم و مبشر  
جمال آنچه فرموده ناظرأ الى الظهور و قيامه على الامر فرموده و آلا و نفسه الحق بكلمه اي از آنچه  
فرموده تكلم نمينمودند. اين جهال امر غنيّ متعالرا لعب اطفال دانسته اند هر روز بخيالى حركت  
مينمايند و در مفازه اي سائرنند. لو كان الامر كما يقولون كيف يستقرّ امر ربك على عرش السّكون تفكر  
وكن من المتفرّسين تفكروكن من المتوسّمين تفكروكن من الرّاسخين تفكروكن من المطمئنّين على  
شأن لو يدعى كلّ البشر بكلّ ما يمكن او فوقه لا تتوجّه اليهم وتدعهم ورآئك مقبلاً الى قبلة العالمين.  
لعمري أنّ الامر عظيم عظيم و اليوم عظيم عظيم طوبى لمن نبذ الوري ورآئه متوجّهاً الى الوجه الذي  
بنوره اشرفت السّموات و الارضون.

**در معنى حكم محكم:** اي ذبيح بصر حديد بايد و قلب محكم و رجل نحاس شايد تا بوساوس جنود  
نفسيه نلغزد اينست حكم محكم كه باراده مالک قدم از قلم اسم اعظم جارى و نازل شده احفظه كما  
تحفظ عينك وكن من الشاكرين. در ليالى و ايام بخدمت حق مشغول باش و از دونش منقطع لعمري ما  
تريه اليوم سيفنى و تجد نفسك فى اعلى المقام لو تكون مستقيماً على امر موليك انّ اليه منقلبك و  
مشويك.

۷